

منابع غیر اسلامی در تفسیر آیات مرتبط با یهودیت

سید محمد علی طباطبایی^۱

چکیده

در قرآن آیات فراوانی در باره اعتقادات، تاریخ و سرگذشت دیگر ادیان وجود دارد که برای تفسیر این آیات می‌توان دو رویکرد داشت: نخست، با تکیه بر منابع اسلامی مانند منابع روایی، کتاب‌های تاریخ و آثاری که مسلمانان در باره ملل و نحل نگاشته‌اند، این آیات را تفسیر کرد که البته کاری بس ارزشمند است؛ دوم، مفسر با نگاهی جهانی به کارکرد تفسیر می‌کوشد آیات در باره هر دین را با مراجعه به منابع اصیل همان دین تفسیر کند تا بتواند از هر دیانت یا ملتی، تفسیری منطبق با واقع و مسموع نزد اهل علم به دست آورد.

در این مقاله کوشش‌های تفسیری مفسران مسلمان را بر مبنای رویکرد دوم بررسی می‌کنیم. موضوع اصلی بحث، تفسیر آیات در باره یهودیت است که در پی یافتن شواهدی از استنادات مفسران مسلمان به منابع غیر اسلامی برای تفسیر این آیات، مهم‌ترین آثار تفسیری از قرون نخستین تا کنون را مرور می‌کنیم. طبیعی است حجم این گونه استنادات در مقایسه با استنادات رویکرد نخست ناچیز است؛ اما گام نهادن در این مسیر جز از رهگذر آشنایی با کوشش‌های گذشتگان میسر نمی‌شود. از دیر باز تا کنون مفسران شیعه نمایندگانی شاخص در این عرصه داشته‌اند که پژوهشگران در زمینه تفسیر و ادیان باید به آثارشان توجه جدی داشته باشند. **کلیدواژه:** تفسیر قرآن، آیات ادیانی، یهودیت، منابع تفسیر.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس قم.

مقدمه

تفسیر قرآن، یکی از کهن‌ترین دانش‌های اسلامی است که مسیری پرفراز و نشیب را پشت سر نهاده و امروز به شکل میراثی ارزشمند در اختیار قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. باید پذیرفت که «تفسیر آیات مرتبط با ادیان»، یک تخصص بسیار پیچیده و فنی است که به زحمت می‌توان در میان مفسران چهره‌ی شاخصی یافت که به مرتبه‌ی بالایی از این تخصص دست یافته باشد. اگر در این میان تنها چند چهره‌ی برجسته باشد، بی‌شک یکی از بزرگ‌ترین آنها در دوره‌ی معاصر علامه بلاغی، مفسر شیعی، است و دانشمندان متقدمی چون ابن‌قتیبه و فخر رازی در رتبه‌ی پس از او قرار می‌گیرند. البته برخی مفسران گمنام امامیه نیز در قرون نخستین بوده‌اند که تلاش‌هایشان در تفسیر آیات ادیانی توشه‌ی آیندگان بوده است (ن.ک: ادامه‌ی مقاله).

در عصر حاضر ارتباط فزون‌تر ادیان با یکدیگر و فرصت گفتگوی بیشتری که روزگار ما در اختیار دانشمندان و مفسران قرآن گذاشته است، ضرورت و الزام و نیز امکان بیشتری را برای آشنایی با ادیان و به‌کارگیری آن آگاهی‌ها در تفسیر قرآن به ارمغان آورده است. آنچه در قرآن درباره‌ی ادیان آمده است، بی‌گمان با آگاهی بیشتر از منابع و متون مقدس آن ادیان، فهمیدن‌تر خواهد بود. ضمن اینکه مفسر با داشتن چنین آگاهی‌هایی می‌تواند تحلیل‌هایی دقیق‌تر درباره‌ی موضوعات مهمی چون اسرائیلیات، تاریخ انبیاء و ادیان گذشته داشته باشد و در عرصه‌ی پاسخ به شبهات ادیانی نیز سخنانی مستند و دقیق مطرح کند.

اما در میان آیات ادیانی قرآن، یهودیت جایگاهی ویژه دارد. صدها آیه از قرآن، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، درباره‌ی تاریخ، اعتقادات، پیامبران و قبایل مختلف قوم یهود است. طبیعی است تفسیر این آیات، نیازمند اطلاعاتی بسیار گسترده از تاریخ و دین یهود است؛ اطلاعاتی که کسب آنها به سال‌ها مطالعه و پژوهش در منابع اصیل و معتبر نیاز دارد تا در نهایت مفسر بتواند قضاوتی علمی و دقیق درباره‌ی تورات حاضر و نسبت آن با توراتی که خداوند بر موسی نازل کرده است، عقاید فعلی یهود و عقاید اصیلی که یهودیان نخستین داشته‌اند، فرقه‌های یهودیت، به‌ویژه در حجاز عصر نزول، منشأ اسرائیلیات و... داشته باشد. در این مقاله به کندوکاو در تفاسیر اسلامی می‌پردازیم تا دریابیم مفسران مسلمان برای تفسیر آیات مرتبط با یهودیت چقدر در بهره‌وری از منابع درون‌دینی یهودیت موفق بوده‌اند.

رویکرد مفسران مسلمان در مواجهه با آیات مرتبط با یهودیت

ویژگی مشترکی که در قریب به اتفاق تفاسیر اسلامی به چشم می‌خورد این است که مفسران مسلمان در تفسیر آیات ادیانی، به‌ندرت خود را نیازمند رجوع به منابع غیراسلامی دیده‌اند. در واقع پرمراجعه‌ترین منابع مفسران در درجه‌ی اول خود قرآن، سپس جوامع حدیثی، فرهنگ‌های لغت و گاهی کتاب‌های تاریخ اسلامی است. بی‌شک هریک از این منابع، از جمله منابع روایی، حاوی انبوهی از اطلاعات درخور توجه‌اند که بسیاری از آن‌ها هنوز هم مورد تجزیه و تحلیل علمی و دقیق قرار نگرفته‌اند. اما سخن در این مقال بر سر استفاده از منابع غیراسلامی و مشخصاً یهودی است. از این رو می‌کوشیم با مروری بر آثار مفسران مسلمانان میزان بهره‌وری آنان را از منابعی چون تورات، تلمود، آثار عالمان یهودی، اطلاعات افراد مطلع از یهودیت، مشاهدات میدانی و... برای شناخت یهودیت و تفسیر آیات مرتبط با این دین بررسی و تحلیل کنیم.

الف - تورات

نام تورات هجده بار و در شانزده آیه تکرار شده است. آیات بسیار دیگری وجود دارند که با عناوینی چون «ما انزل الله»، «فرقان» و «الکتاب»^۱ به تورات اشاره کرده‌اند؛ بنا بر این طبیعی است که این کتاب میان مفسران مسلمان جایگاهی ویژه داشته باشد و آنان برای تفسیر هر آیه در باره یهودیت، بدان نیز رجوع کنند. در تاریخ آمده است که عبد الله بن عمرو عاص به دو بار شتر از متون یهود دست یافته بود؛^۲ از این رو مردم او را عالم تورات می‌دانستند و در باره محتوای آن از او می‌پرسیدند و او نیز پاسخ می‌داد.^۳ سلمان فارسی نیز میان صحابه چنین جایگاهی داشت و معمولاً دیگران از او در باره عجایب تورات می‌پرسیدند.^۴ در روایت شیعی از قول نافع مولی عمر ادعا شده است که وی همه تورات، انجیل، زبور و قرآن را خوانده و از حلال و حرام آن آگاه است.^۵ همه این‌ها نشان می‌دهد مراجعه به تورات در عصر پیامبر امر غریبی نبود و حتی برخی

۱. بقره، آیه ۸۷

۲. التمهید فی علوم القرآن، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۳. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۱۶۱.

۵. تفسیر القرآن الکریم، ص ۲۴۴.

آن را به عبری می‌خواندند و برای مردم به عبری ترجمه می‌کردند.^۱ در تاریخ اسلام عالمان بسیاری به خوبی با تورات و زبان آن آشنا بودند؛ از جمله ابن حزم اندلسی، ابن ندیم، ابن قتیبه، طبری، مقدسی، مسعودی، یعقوبی، بیرونی، ابن خلدون، یاقوت حموی، ابن طاووس و ...؛^۲ اما اندکی از این عالمان مفسر قرآن بودند و تألیفات آنان بیشتر تاریخی، جغرافیایی یا کلامی است؛ از این رو در تفاسیر، آن‌چنان آثار مراجعه به تورات و مطالعه آن وجود ندارد در اینجا می‌کوشیم فهرستی از مفسرانی را که مراجعاتی به تورات در تفسیر آیات قرآن داشته‌اند، ارائه کنیم.

ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق) مفسر سنی قرن سوم هجری در کتاب خود «تأویل مشکل القرآن» به داستانی که شخصا در تورات خوانده است اشاره می‌کند.^۳ او داستان برج بابل را از فصل یازدهم سفر پیدایش بیان می‌کند. نمونه دیگری از تفسیر تطبیقی او را در آیه ۷۱ سوره هود برای تفسیر «فضحکت» می‌توان دید.^۴ از ارجاعات مستقیم ابن قتیبه به تورات، بخصوص در آثار دیگرش، مانند «تأویل مختلف الحدیث» و «المعارف» بر می‌آید که در قرن سوم ترجمه‌ی عبری تورات در دسترس عالمان مسلمان بوده است.^۵

پس از او مراجعات محمد بن جریر طبری (۳۱۰-۲۲۴ق) به تورات بسیار چشمگیر است تا آن جا که تفسیر او را یکی از منابع اسرائیلیات می‌دانند. بیشتر نقل‌های او از تورات در باره داستان آفرینش و قصص پیامبران است. آمال محمد عبد الرحمان ربیع در «الاسرائیلیات فی تفسیر الطبری: دراسة فی اللغة و المصادر العبرية» میزان انطباق این مطالب را با منابع عبری (شامل عهد قدیم، میدراش‌های کهن و تلمود) با دقتی تحسین‌برانگیز بررسی کرده است. به ظاهر ثعلبی از اهل سنت و شیخ طوسی از شیعه، نخستین مفسرانی هستند که به فراز دوم از باب سی‌وسوم سفر تثنیه برای اثبات بشارت تورات به پیامبر اسلام استناد کرده‌اند.^۶ اما بنا بر

۱. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۰۵.

۲. ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ دانش‌نامه جهان اسلام (مدخل تورات).

۳. تأویل مشکل القرآن، ص ۵۵.

۴. ر.ک: همان، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۵. دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۸، ص ۴۵۳.

۶. الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۸۹؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۶۰.

تازه‌ترین یافته‌ها در حوزه تفسیر شیعی، در آن زمان شاید بتوان مرجع اصلی نقل‌های مفسران از تورات را تفسیر «المصباح» وزیر مغربی، مفسر گمنام شیعی، دانست که استنادهای دقیق و ارجاع‌های مستقیمش به عهدین، از او مفسری شاخص در تفسیر آیات ادیانی ساخته است.^۱

در قرن ششم، فخر رازی یکی از مسلط‌ترین مفسران مسلمان به تورات و انجیل است که می‌توان یکی از بحث‌های مفصل او را با استشهادهای فراوان از تورات برای اثبات نبوت پیامبر اسلام، در تفسیر آیه چهل سوره بقره دید.^۲

در قرن هفتم سیدبن طاووس از علمای شیعه، با نوشتن کتاب *سعد السعود* نشان می‌دهد که تورات را در دسترس داشته و بخش‌های بسیاری از آن را مطالعه کرده است.^۳

در قرن هشتم ابن جزئی مطالب بسیاری را از تورات برای تأیید نبوت پیامبر اسلام نقل می‌کند؛ اما از لحن بیانش بر می‌آید که خود این مطالب را در تورات ندیده است، بلکه فقط گفتارهای برخی، مانند فخر رازی و دیگران را نقل می‌کند.^۴

در قرن دهم، سیوطی انبوهی از روایات صحیح و سقیم را که راویان به تورات مستند کرده‌اند، در تفسیر مآثور خود گرد آورده است؛^۵ اما هیچ ارزیابی و نقدی درباره‌ی صحت و سقم آنها و وجود واقعی آنها در تورات به دست نداده است.

در قرن سیزدهم، آلوسی و شوکانی رجوع به تورات را برای تفسیر قرآن دو باره احیا کردند و در واقع نقطه عطفی در تفسیر پدید آوردند. بخش‌هایی از «روح المعانی» نشان می‌دهد که آلوسی برای تفسیر برخی آیات، تورات را شخصاً مطالعه می‌کرده است.^۶ کتاب شوکانی نیز نشان‌دهنده آشنایی وی با تورات^۷ و حتی زبان عبری^۸ است.

۱. ر.ک: جشن‌نامه استاد مهدوی‌راد، «المصباح فی تفسیر القرآن؛ گنجی کهن در تاریخ تفسیر شیعه».

۲. *مفاتیح الغیب*، ج ۳، ص ۴۷۹ - ۴۸۲.

۳. *سعد السعود للنقوس منضود*، ص ۴۳ - ۵۳.

۴. *کتاب التسهیل لعلوم التنزیل*، ج ۱، ص ۳۰۵ و ۳۰۶.

۵. *الدر المنثور فی تفسیر المآثور*، ج ۳، ص ۱۲۰ - ۱۲۶.

۶. *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، ج ۱۲، ص ۱۲۹ و ج ۱۴، ص ۲۸۰.

۷. *فتح القدر*، ج ۱، ص ۴۰۱.

۸. همان، ج ۵، ص ۴۳۸.

ثمره‌ی کوشش آنان در آثار مفسران قرن چهاردهم آشکار شد. در این قرن، تورات مرجع اساسی بیشتر مفسرانی بود که در پی نگارش تفسیری نوین از قرآن بودند و علامه بلاغی سرآمد ایشان بود. وی شیوه جدیدی را برای تفسیر آیات مرتبط با یهودیت بنیان‌گذاری کرد؛ از این رو همه مفسران پس از او وامدار تلاش‌های ارزشمند و خالصانه‌اش هستند.^۱ وی در جای‌جای تفسیرش به تورات مراجعه می‌کرد و مهم‌ترین ویژگی او دانستن زبان عبری بود^۲ که کمتر مفسری از آن ویژگی برخوردار است.

در زیر فهرستی از نام دیگر مفسران قرن چهاردهم همراه ارجاع به نمونه‌ای از استنادات توراتی‌شان آمده است:

- عبد القادر ملا حویش آل غازی؛^۳

- ابن عاشور؛ وی نه‌تنها مراجعاتی به تورات داشته است؛^۴ بلکه در زبان‌دانی نیز دستی داشته

است.^۵ می‌توان وی را از پر مراجعه‌ترین مفسران قرآن به تورات دانست.

- محمد عزت دروزه.^۶

- عبد الکریم خطیب.^۷

- محمد جواد مغنیه.^۸

- احمد بن مصطفی مراغی.^۹

- محمد جمال الدین قاسمی.^{۱۰}

- سید عبد الأعلى موسوی سبزواری.^۱

۱. ر.ک: مجموعه مقالات کنگره بین المللی علامه بلاغی، «بازتاب ادیان پژوهی بلاغی در تفسیر آلاء الرحمن».

۲. برای دیدن نمونه‌ای از بهره‌گیری او از زبان‌دانی در تفسیر، ر.ک: آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۴. ر.ک: بیان المعانی، ج ۱، ص ۴۷ و ۴۸.

۵. ر.ک: التحریر و التنویر، ج ۱، ص ۴۸۱.

۶. همان، ص ۳۹۴.

۷. التفسیر الحدیث، ج ۵، ص ۲۴۳.

۸. التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۱۲، ص ۱۰۱۳ و ۱۰۱۴.

۹. التفسیر المبین، ص ۱۱۴؛ تفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۶۵.

۱۰. تفسیر المراغی، ج ۳، ص ۱۷۹.

۱. محاسن التأویل، ج ۱، ص ۲۸۷.

- سید محمد حسین طباطبائی.^۲
- سید ابو القاسم خوبی.^۳
- حسن مصطفوی.^۴
- سید محمد حسین فضل الله.^۵
- محمد صادقی تهرانی.^۶ وی افزون بر تسلط بر عبری، ظاهراً نخستین مفسری است که جملات تورات را به عبری در تفسیر خود آورده است.
- سید عبد الحسین طیب.^۷
- سید محمود طالقانی.^۸
- زین العابدین رهنما.^۹
- محمد جواد نجفی خمینی.^{۱۰}
- حسین حسینی شاه عبد العظیمی.^{۱۱}
- سید علی اکبر قرشی.^{۱۲}
- ابراهیم عاملی.^{۱۳}
- ناصر مکارم شیرازی.^{۱۴}
- محسن قرائتی.^۱

-
۱. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۳۱.
 ۲. المیزان، ج ۱، ص ۱۴۲، ج ۵، ص ۳۲۴ و ج ۱۳، ص ۳۷۹.
 ۳. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۶۴.
 ۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۴، ص ۲۴۸؛ تفسیر روشن، ج ۴، ص ۲۵۷.
 ۵. تفسیر من وحی القرآن، ج ۸، ص ۱۲۸.
 ۶. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲، ص ۷۸.
 ۷. اطیب البیان، ج ۲، ص ۴۱۴.
 ۸. پرتوی از قرآن، ج ۶، ص ۸۳.
 ۹. ترجمه و تفسیر رهنما، ج ۱، ص ۱۲۱.
 ۱۰. تفسیر آسان، ج ۴، ص ۱۰۰.
 ۱۱. تفسیر اثنا عشری، ج ۳، ص ۳۹۵.
 ۱۲. تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، ص ۱۳۰.
 ۱۳. تفسیر عاملی، ج ۱، ص ۱۰۳.
 ۱۴. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۹۵.

– سید عبد الحجت بلاغی؛ وی در جلد اول مقدمه‌اش در باره بسیاری از مسائل یهودیت، بویژه تاریخ آن و نیز اصطلاحات خاص یهودی و منابع یهودی توضیحات سودمندی می‌دهد که در سنت تفسیر تازگی دارد.^۲ همچنین او در تفسیرش به مسائل ادیبانی بویژه یهودیت توجه خاصی دارد و بسیاری از مطالب خود را به عهد قدیم مستند می‌کند.^۳

فهرست بالا نشان می‌دهد که هرچه استفاده از مطالب تورات برای تفسیر آیات مرتبط با یهودیت تا قرن دوازدهم مهجور بوده، از آن پس مورد توجه مفسران قرار گرفته است. به طوری که امروزه کمتر مفسری به خود اجازه می‌دهد در تفسیر این آیات مطلبی بدون رجوع به تورات بنگارد و این یکی از ویژگی‌های مثبت تفاسیر اسلامی در دوران جدید است.

ب – تلمود

مهم‌ترین منبع دینی یهود در کنار تورات، تلمود است که در فرهنگ یهود به عنوان «تورات شفاهی»^۴ شناخته می‌شود. یهودیان معتقدند خداوند در کوه طور، افزون بر تورات مکتوب، توراتی شفاهی نیز بر موسی نازل کرد که سینه به سینه میان عالمان یهود منتقل شد و سرانجام در خلال قرون سوم تا ششم میلادی به نگارش درآمد.^۵ بسیاری از آنچه در تراث روایی ما به نام اسرائیلیات شناخته شده، و حتی بسیاری از آیات قرآن، مخصوصاً در نقل جزئیات برخی داستان‌ها، عین مطالبی است که پیش از نزول قرآن در تلمود بوده است.^۶ بسیاری از روایات موسوم به اسرائیلیات، و نیز روایات صحابه و تابعان که مطلبی را از منابع یهود نقل می‌کنند، در واقع ناقل مطالبی از تلمود هستند؛ گرچه در برخی از آنها تصریح شده که این مطلب در «تورات» آمده است. در این موارد منظور از تورات، تورات شفاهی یعنی تلمود است. برای مثال سلمان فارسی، که صحابه او را از عالمان به تورات می‌دانستند،^۷ در روایتی می‌گوید: «در تورات دیده‌ام که برکت

۱. تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲. ر.ک: حجة التفسیر و بلاغ الإکسیر، ج ۱، مقدمه، ص ۱۲۲-۵۴۵.

۳. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.

۴. در بسیاری از متون ترجمه‌شده از انگلیسی، آن را به اشتباه «شریعت شفاهی» ترجمه کرده‌اند؛ در حالی که Oral Law خود، ترجمه‌ای نارسا از اصطلاح یهودی «تورا شیعل په» (תורה שבעל פה) دقیقاً به معنای «تورات شفاهی» است.

۵. ر.ک: سیری در تلمود، ص ۲۱-۲۹.

۶. برای مثال برافراشتن کوه طور بر سر بنی‌اسرائیل (تلمود، عوودا زارا، ۲الف)، مستشرقان بسیار به این تشابهات پرداخته و اغلب آن را دلیلی بر بهره‌گیری قرآن از منابع یهودی می‌دانند. (برای مثال ن.ک: Geiger, 1970; Tisdall, 1905).

۷. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۹، ص ۱۶۱.

غذا به وضوی پس از غذاست»^۱. این مطلب در تورات مکتوب نیامده است؛ ولی شستن دستان پس از صرف غذا و پیش از خواندن دعای برکت، یکی از بحث‌های فصل هشتم از رساله براخوت تلمود است.^۲ با این حال تنها تعدادی اندک از مسلمانان، آن هم به صورت بسیار محدود، از تفکیک میان «تورات مکتوب» و «تورات شفاهی»، با توجه به اینکه هر دو تورات خوانده می‌شدند، اطلاع داشته‌اند.^۳

اگرچه در میان عالمان مسلمان، کسانی چون ابن حزم و ابن قیم جوزیه آشنایی مختصری با تلمود داشته‌اند،^۴ در آثار تفسیری مسلمانان تا قرن چهاردهم، حتی نامی هم از تلمود به چشم نمی‌خورد و این نشانه‌ای از ناآشنایی کلی مفسران مسلمانان با منابع کلاسیک یهودی است. در قرن چهاردهم با ظهور صهیونیسم و شدت گرفتن مبارزات برخی مسلمانان با این پدیده‌ی نوظهور، کم‌کم نام تلمود به عنوان مانیفست نژادپرستی و خرافه‌گرایی در میان مسلمانان پیچید؛ مخصوصاً با ترجمه‌ی برخی آثار مسیحیانی که آثار شدیدالحنی برضد تلمود نگاشته بودند؛ مثل *الکنز المرصود فی قواعد التلمود* ترجمه کتاب *تلمود یهودیان* اثر آوگوست رولینگ.^۵ این جریان باعث شکل‌گیری نگاهی بسیار منفی به تلمود در میان مفسران مسلمان شد. از آن زمان نقل قول‌هایی به طور غیرمستقیم از تلمود، به منابع تفسیری راه یافت.

دروزه در «التفسیر الحدیث» به آنچه در تلمود در باره مریم و مسیح آمده، اشاره می‌کند؛ اما مصدر او در این نقل قول برخی نشریه‌های عربی هستند.^۶ مغنیه در «تفسیر الکاشف» به نقل معنای «اسرائیل» از مفسران مسلمان راضی نمی‌شود و بنا بر گفته خود در پی یافتن نسخه‌ای از تلمود، کتاب‌فروشی‌های بیروت را جست‌وجو می‌کند؛ اما سرانجام فقط دو کتاب «الکنز المرصود فی قواعد التلمود» و «قاموس کتاب مقدس» را می‌یابد.^۷ احمد مراغی در تفسیر خود، تعریف

۱. همان، ج ۶۳ ص ۳۵۷.

۲. ر.ک: براخوت، ب ۵۳.

۳. *دانش‌نامه جهان اسلام*، ج ۸، ص ۱۳۲، «تلمود».

۴. ر.ک: همان، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

۵. ر.ک: همان، ص ۱۳۳.

۶. *التفسیر الحدیث*، ج ۸، ص ۲۷۳.

۷. *تفسیر الکاشف*، ج ۶ ص ۴۶۰.

مختصری از تلمود و میشنا بیان کرده است.^۱ طنطاوی به نقل از «الصهیونیه العالمیه» عباس محمود العقاد مطلبی را به تلمود مستند می‌کند.^۲

صادقی تهرانی در دو جا مطالبی را از تلمود، یکی با دو واسطه^۳ و دیگری بدون واسطه نقل می‌کند.^۴ سید قطب نیز در تفسیرش به صورت پراکنده برخی شنیده‌هایش را از تلمود آورده است.^۵ قاسمی مرجع یکی از تفسیرهای اسرائیلی در باره هاروت و ماروت را در تلمود یافته و در کتابش به آن استناد کرده است.^۶ مرحوم طالقانی تلمود را در اختیار داشته و و ارجاعات بسیاری بدان دارد.^۷ قرشی ارجاع مبهمی به صفحه‌ای از تلمود دارد.^۸ عاملی به نقل از رساله دکترای ترکی، مطالبی را از تلمود نقل می‌کند.^۹

عبد الحجت بلاغی نیز در جلد اول مقدمه تفسیرش، تعاریف کوتاهی در باره تلمود، میشنا و گمارا از «المنجد» نقل می‌کند.^{۱۰}

چنان که دیده می‌شود تا عصر حاضر حتی یکی از مفسران مسلمان مراجعه‌ی مستقیمی به متن تلمود نداشته است و همین باعث ایجاد نوعی نگاه غیرواقعی شده است که معمولاً عالمان مسلمان می‌پندارند تلمود کتابی سرّی است که یهودیان اجازه‌ی انتشار آن را نمی‌دهند و هیچ‌کس جز خودشان به آن کتاب دسترسی ندارد؛ درحالی‌که این کتاب تاکنون به زبان‌های بسیاری، از جمله انگلیسی، ترجمه و در تیراژهای بسیار بالا منتشر شده است. نشر تلمود به انگلیسی بیش از صد سال قدمت دارد و تاکنون پنج ترجمه‌ی مختلف انگلیسی از تلمود بابلی و سه ترجمه‌ی انگلیسی از تلمود اورشلیمی^{۱۱} منتشر شده است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی

۱. تفسیر المراغی، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

۲. التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۵، ص ۴۲۲.

۳. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۳، ص ۳۲.

۴. همان، ج ۱۷، ص ۳۴.

۵. فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۱۰۸۷ و ج ۳، ص ۱۳۷۵.

۶. محاسن التأویل، ج ۱، ص ۳۶۶.

۷. پرتوی از قرآن، ج ۵، ص ۱۹۹.

۸. تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، ص ۱۸۳.

۹. تفسیر عاملی، ج ۵، ص ۳۱۹.

۱۰. حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ص ۳۰۹.

ناآشنایی مفسران مسلمان با این کتاب، ناآگاهی ایشان از زبان‌های عبری و اروپایی بوده است. اما به‌تازگی ترجمه‌ای عربی از تلمود بابلی با مشارکت حدود صد محقق و در بیست جلد منتشر شده است (*التلمود البابلی*، مرکز دراسات الشرق الأوسط، الطبعة الأولى، عمان: ۲۰۰۱) که می‌تواند سرآغازی بر تلمودپژوهی در تفسیر اسلامی باشد.

ج - کتب عالمان یهود

یهودیان قرن‌ها در درون جامعه‌ی اسلامی، حیات علمی پویا و پرتکاپویی داشتند و اصلاً با همین ویژگی از یهودیان ساکن سرزمین‌های مسیحی متمایز می‌شدند. آنان بسیاری از آثار علمی مسلمانان، به‌ویژه در حوزه‌ی کلام، را می‌خواندند و تحت تأثیر آنها کتاب‌های علمی بسیاری نگاشته‌اند.^۱ جالب است که آنان اصرار داشتند کتاب‌های غیر فقهی خود، بویژه کتاب‌های کلامی را به زبان عربی بنویسند.^۲ معروف‌ترین این کتاب‌ها، «دلالة الحائرين» ابن میمون اندلسی است. به هر حال بی‌میلی مفسران مسلمان به آگاهی از محتوای کتاب‌های عالمان یهودی و به تبع آن ناآگاهی آنان از زبان عبری موجب شد که نه تنها در قرون نخستین بلکه تا همین امروز، مفسران مسلمان کمترین اطلاعی از آثار آنان نداشته باشند و شگفت آن که حتی نام یکی از این آثار را در کتاب‌های مفسران مسلمان نمی‌بینیم. فقط ابوحیان اندلسی (مفسر سنی قرن هشتم) در کتابش گزارشی اجمالی و عجیب از موسی بن میمون و کتابش «دلالة الحائرين» آورده است که درخور پژوهشی مستقل است.^۳

د - رجوع به عالمان یهودی

بی‌شک یکی از بهترین منابع کسب اطلاعات اصیل درباره‌ی یک دین، مراجعه به عالمان آن دین است. اگر دستیابی مفسران مسلمان به عالمان بسیاری از ادیان، مانند هندویسم و بودیسم و حتی زرتشتی، مشکل بوده است، درعوض عالمان یهود از صدر اسلام همواره در دسترس

۱. فلسفه یهودی در قرون وسطا، ص ۱۳.

۲. یادآوری این نکته لازم است که زبان این آثار عربی بود، ولی در عمل با رسم الخط عبری نوشته می‌شدند و همین اولین مانع دسترسی عالمان مسلمان به این کتاب‌ها بود.

۳. البحر المحيط فی التفسیر، ج ۹، ص ۲۶۷.

علمان مسلمان بوده‌اند و مسلمانان می‌توانسته‌اند به راحتی اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی آداب و سنن و عقاید یهودیان از آنان کسب کنند. از این رو اصلی‌ترین منبع مطالبی که راجع به یهودیت در تفاسیر اسلامی منتشر شده، برگرفته از سخنان عالمانی از اهل کتاب است که به اسلام گراییده بودند؛ گرچه همه‌ی این مطالب چندان قابل اعتماد و استناد نیستند.

به سبب اهمیت این بحث و برای آشنایی با رویکردهای گوناگون مفسران مسلمان هنگام مراجعه به یهودیان برای تفسیر قرآن، این موضوع را از زمان جاهلیت تاکنون بررسی می‌کنیم. در زمان جاهلیت یهودیان به‌عنوان مردمانی باسواد و بافرهنگ، در شبه‌جزیره‌ی عربستان شناخته شده بودند. اعراب جاهلی که خود بهره‌ی چندانی از سواد و دانش نداشتند، ارزش خاصی برای رفتار و گفتار اهل کتاب قائل بودند و به آرای آنها احترام ویژه‌ای می‌گذاشتند. همین باعث شده بود که آنها برای حل هر مسئله‌ی مشکلی از آنها کمک بخواهند و نظر آنها را فصل‌الخطاب بدانند.^۱ اگرچه آنان نیز مانند اعراب، دانش چندانی نداشتند و در واقع از عوام یهود به شمار می‌رفتند؛^۲ اما این مرجعیت یهود حتی با ظهور اسلام هم کم‌رنگ نشد. قرآن نیز برای دانستن درستی ادعاهای پیامبر اسلام بر مرجعیت اهل کتاب صحه گذاشت و از اعراب خواست برای اطلاع از صحت ادعاهای پیامبر اسلام به سراغ آنان بروند.^۳

به‌رروری اگرچه یهودیان حجاز، جزو کم‌سوادترین یهودیان منطقه‌ی خاورمیانه بودند و دست کم در میان یهودیان دو پایگاه علمی-یهودی فلسطین و بابل، وثاقت چندانی نداشتند،^۴ اما در میان اعراب بی‌سواد جزیره‌العرب، جزو دانشمندان قوم به شمار می‌رفتند؛ تا جایی که در

۱. ر.ک: الصحيح من سيرة النبي الاعظم^۷، ج ۲، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۲. مقدمه ابن خلدون، ج ۴۳۹

۳. نحل، آیه ۴۳؛ انبیاء، آیه ۷.

۴. دکتر جواد علی، در این که مشهورترین چهره‌های علمی یهود، در واقع دانشمند و حبر بوده باشند، تردید کرده است (المقصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۶، ج ۶ ص ۵۶۲ و ۵۶۳). شایان ذکر است که حبر، مقامی فروتر از ربی بوده است. (M. Schmitz, "ka'b al-Ahbar", in: *Brill's First Encyclopedia of Islam*, p.582)؛ چون از قرن‌ها پیشتر از آن، ربی به عالمان سرزمین اسرائیل اطلاق می‌شد؛ خاخام عالمی بود که در بابل به مقام انتصاب نائل می‌شد و حاور (همکار) عالمی بود که هنوز به این افتخار دست نیافته بود (Adin Steinsaltz, *The Talmud, A Reference Guide*, p. 23) و بدین لحاظ احبار یهود، که مراجع اعراب آن زمان بوده‌اند، حتی از لحاظ عنوان هم دانشمندترین افراد یهود به شمار نمی‌رفته‌اند.

روایات تصریح شده که اعراب در بسیاری از امورشان به آنها اقتدا می‌کردند.^۱ لاقلاً پندار بر این بود که آنان چون کتابی آسمانی در دست دارند، پاسخ بسیاری از پرسش‌های بی‌جواب را می‌دانند و حتی از قدرت پیشگویی و غیب‌دانی برخوردارند. این عقیده تا نسل‌ها بعد در میان مسلمانان هم پابرجا ماند و طبق سنت اسلامی بسیاری از پیشگویی‌های تاریخی یهودیان بر اساس کتاب مقدس، درست از آب درمی‌آمده است.^۲

با ظهور اسلام در مکه، یهودیان همچنان مرجعی مناسب برای داوری در باره اسلام شناخته می‌شدند؛^۳ اما با هجرت پیامبر به مکه و آغاز پیمان‌شکنی‌های یهودیان، قرآن آن وثاقت سابق را از ایشان گرفت و آنان را دشمن‌ترین دشمنان برای مسلمانان معرفی کرد.^۴ سرانجام با گسترش اسلام در جزیره‌العرب در اواخر حیات پیامبر، بسیاری از اقوام یهودی مسلمان شدند و بزرگان آنان اسلام را پذیرفتند. همین مسئله باعث شد که نظرات این یهودیان تازه‌مسلمان، باز اهمیتی ویژه پیدا کند و بسیاری از مردم برای شنیدن اطلاعات نادر آنها از حجم انبوه فرهنگ و ادب یهودی، به سراغ آنان بروند. از آنجاکه این نوکیشان اسم و رسمی داشتند و با پیوستن به جرگه‌ی مسلمانان اعتباری کسب کرده بودند، مردم عموماً به آنها اعتماد داشتند و باکی از شنیدن سخنانشان نداشتند.^۵

در این میان بودند مسلمانانی که با نظر به سوابق سوء یهودیت در اوایل هجرت، همچنان به یهودیان، حتی مسلمان‌شدگان آنها، بدبین بودند و نه تنها خودشان از شنیدن سخنان آنها ابا داشتند، بلکه دیگران را نیز از گوش سپردن به اقوال آنها باز می‌داشتند. از این‌رو در تاریخ صدر اسلام با دو نوع رویکرد مختلف نسبت به جواز رجوع به سخنان اهل کتاب به‌ویژه یهودیان مواجهیم که موجب پیدایش دو مسیر جداگانه در تفسیر آیات مرتبط با یهودیت شده است. در اینجا با تقسیم مفسران مسلمان به چهار دسته‌ی صحابه، تابعان، متقدمان و متأخران، عملکرد آنان را در کسب اطلاعات از عالمان یهود بررسی می‌کنیم.

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۴۳.

۲. علوم حدیث، ش ۲۳، ص ۷۰ - ۷۳، «مطالعه‌ای در مورد حدیثی کهن: حدیثوا عن بنی اسرائیل و لاجرح».

۳. ر. ک: تاریخ درآیینة پژوهش، ص ۸۸ و ۸۹، «مسلمانان صدر اسلام و اندیشه‌های اسرائیلی (پذیرش و انکار)».

۴. مانده، آیه ۸۲.

۵. مقدمه ابن خلدون، ص ۳۹۴.

۱. رویکرد صحابه در مراجعه به عالمان یهود

قرآن پژوهان مسلمان، یکی از چهار منبع تفسیری صحابه را آراء اهل کتاب دانسته‌اند.^۱ برخی از محققان برآنند که صحابه از رهنمود پیامبر درباره‌ی اتخاذ موضعی ممتنع در مواجهه با اهل کتاب فراتر رفتند و بسیاری از احادیث آنها را نقل و حتی تصدیق کردند.^۲ برای این رجوع دلایل بسیاری بیان کرده‌اند؛ از جمله اجمال آیات قرآن درباره‌ی اقوام گذشته، و اشتیاق مسلمانان به دانستن جزئیاتی که قرآن از کنار آنها گذشته بود.^۳

با این حال گزارش‌های تاریخی بسیاری از مخالفت صحابه‌ی نزدیک رسول خدا با نقل آراء تفسیری از اهل کتاب، یا رجوع مردم به منابع یهودی در دست است. در رأس اینان امام علی(ع)^۴ و بنا به قولی ابن عباس^۵ و ابن مسعود^۶ بوده‌اند؛ اما در منابع تاریخی، نمونه‌های بسیار بیشتری از رجوع صحابه به اهل کتاب برای دانستن تفسیر آیات مرتبط، و حتی غیر مرتبط، با یهودیت وجود دارد.

صحابه‌ای که در کار تفسیر قرآن بودند، نه تنها در آیات مرتبط با یهودیت، بلکه هر جا که به آیه‌ی مشکلی برمی‌خورند، به عالمان یهودی، که اکنون در زمره‌ی مسلمانان بودند، رجوع می‌کردند و پاسخ پرسش‌هایشان را از آنان می‌خواستند. نمونه‌ی بارز آن ابن عباس است که بی‌شک پس از حضرت علی، بزرگ‌ترین صحابی مفسر قرآن به شمار می‌رود. تاریخ گزارش‌هایی از مخالفت‌های سرسختانه‌ی او با رجوع به اهل کتاب نقل کرده است،^۷ گزارش‌هایی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد وی برای تفسیر بسیاری از آیات، به کعب الاحبار^۸ و عبد الله بن سلام^۹ یا

۱. التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۴۲.

۲. فجر الاسلام، ص ۲۰۱.

۳. التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۱۶.

۴. ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱۰، ص ۹۵.

۵. همان، ص ۸۳ و ۸۴.

۶. علوم حدیث، ش ۲۳، ص ۸۹، «مطالعه‌ای در مورد حدیثی کهن؛ حدیثوا عن بنی اسرائیل و لاجرح».

۷. برای نمونه: «یا معشر المسلمین؛ تسألون أهل الكتاب و کتابکم الذی أنزل علی نبیه - صلی الله علیه و سلم - أحدث الأخبار بالله، تقرأونه لم یشب، و قد حدثکم الله أن أهل الكتاب بدلوا ما کتب الله، و غیروا بأیدیهم الكتاب فقالوا هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَیْشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا». أفلا ینهاکم ما جاءکم من العلم عن مسألتهم، ولأ والله ما رأین رجلاً منهم قط یسألکم عن الذی أنزل علیکم» (صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۶۳).

۸. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۶۲.

شخصی به نام غیلان بن فروه^۲ مراجعه می کرده است. عمر بن خطاب نیز اگرچه خود در رأس مراجعان به عالمان یهودی مسلمان شده قرار داشت،^۳ با مسلمانانی که چیزی از تورات می خواندند، برخوردی سخت خشن داشت.^۴

قرآن پژوهان مسلمان رفتارهای دوگانه صحابه را چنین توجیه می کنند که مراجعات ایشان به اهل کتاب تنها در فروع کم اهمیت دین بود که موعظه یا حکمتی را منتقل می کرد؛ وگرنه هیچ گاه آنان در مسائل اساسی اعتقادی به اهل کتاب مراجعه نمی کردند.

۲. رویکرد تابعان در مراجعه به عالمان یهود

مروری بر آنچه از تابعان به دست ما رسیده است، نشان می دهد عملکرد صحابه در مراجعه به اهل کتاب، بیشتر از اظهار مخالفتشان، در تابعان تأثیر گذاشته است. در میان منابعی که برای تفسیر تابعان ذکر کرده اند، هم روایات تفسیری صحابه دیده می شود، که طبعاً حاوی منقولات آنها از اسرائیلیات نیز بوده، و هم مراجعه ی خود آنها به اهل کتاب، تا جزئیات بیشتری از مجملات قرآن بدانند.^۵ علاوه بر این، در میان تابعان هم بودند کسانی که یا خود سابقه ی یهودیت داشتند، و یا اینکه به چنین کسانی برای تفسیر آیات مشکل، بسیار رجوع می کردند.

نقل بی محابای آنچه که بعدها به نام اسرائیلیات شناخته شد، از این دوران رسمیت یافت و در میان ناقلان حدیث و مفسران شایع شد. همین باعث شد که یکی از ویژگی های این عصر را ورود کلان اسرائیلیات به تفسیر بدانند.^۶

یکی از تابعان دارای سابقه ی یهودی و مطلع از منابع آن، محمد بن کعب قرظی، شاگرد ابی بن کعب، است که از قصه گوین معروف بود.^۷ مقاتل بن سلیمان نیز از نخستین مفسران صاحب اثری است که به شدت در معرض اتهام مراجعه به اهل کتاب و یهودی کردن عقاید اسلامی است؛ تاجایی که درباره ی او گفته اند: «نسبه أبو حاتم إلی أنه استقی علومه بالقرآن من الیهود

۱. همان، ج ۱۹، ص ۱۷۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱۰، ص ۹۵.

۴. الصحیح من سیرة النبی الاعظم^۹، ج ۱، ص ۶۰ و ۶۱.

۵. التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۱۶.

۶. همان، ص ۸۸.

۷. التمهید فی علوم القرآن، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

والنصاری وجعلها موافقة لما فی کتبهم»^۱.

در ارزیابی این دوران باید گفت اگرچه اطلاعات بسیاری درباره‌ی یهودیت از منابع نسبتاً مطلع به منابع تفسیری ما راه یافت، هیچ یک از فیلتر نقد و ارزیابی نگذشت و تنها با استناد به صاحب سخن نقل شد و همین زمینه‌ی ورود حجم بالایی از اطلاعات نادرست و غیرواقعی را به انبان اطلاعاتی مفسران قرون بعد فراهم کرد؛ زیرا ناقلان این سخنان کسانی چون کعب‌الاحبار بودند که فی‌الواقع نمی‌توان آنها را از دانشمندان مطلع یهودی به حساب آورد.

۲. رویکرد مفسران متقدم در مراجعه به عالمان یهود

پس از تابعان، طبقه‌ای از مفسران ظهور کردند که با تکیه به آرای تفسیری رسیده از پیامبر، صحابه و تابعان، و با استفاده از علوم چون ادبیات، فقه، تاریخ و... به تفسیر قرآن می‌پرداختند و برخلاف گذشتگان، آرای تفسیریشان را به صورت کتاب عرضه می‌کردند. از این زمان تا حدود قرن سیزدهم هجری، که زمانی بیش از ده قرن را دربرمی‌گیرد، اسرائیلیات نقل محافل تفسیری بود و هیچ مفسری از نقل آن، کم یا بیش، ابایی نداشت.^۲

با این حال در تفاسیر اسلامی به ندرت اثری از رجوع خود مفسران به عالمان یهودی دیده می‌شود. یک نمونه‌ی آن مخالفت ابن اسحاق با گزارش ابن عباس از دخول شیطان به بهشت در شکم مار است. ابن اسحاق می‌گوید: «اهل تورات چنین آموزش می‌دهند که خود مار با آدم سخن گفت».^۳ خود طبری را نیز از مفسرانی معرفی کرده‌اند که سعی می‌کرده است از اطلاعات عالمان اهل کتاب در تفسیر آیات استفاده کند.^۴

بعضی منابع نیز از ملاقات ابن قتیبه (صاحب تفسیر تأویل مشکل القرآن) با برخی از یهودیان و نیز تازه‌مسلمانانی که سابقه‌ی یهودیت داشته‌اند، خبر می‌دهند؛^۵ اما این ملاقات‌ها در تفسیر او نمود چندانی ندارد.

۱. التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۲.

۲. همان جا.

۳. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۸۸.

۴. دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۸، ص ۴۵۱، «تورات».

۴. رویکرد مفسران متأخر در مراجعه به عالمان یهود

از قرن سیزدهم به این سو، جنبشی بر ضد اسرائیلیات در میان مفسران آغاز شد و به سرعت قبول عام یافت. از آن پس عدم نقل اسرائیلیات، یا نقل آنها همراه با نقد، یکی از امتیازات تفاسیر شمرده می‌شود. خارج از حیطه‌ی تفسیر نیز کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری درباره‌ی اسرائیلیات نوشته شد. نویسندگان این کتاب‌ها، هرآنچه را از منبعی یهودی یا شبه‌یهودی در تفاسیر و احادیث نقل شده بود، اسرائیلی خواندند و پیشنهاد کردند همه‌ی اینگونه مطالب از تفاسیر حذف شود و با معرفی این مطالب در کتاب‌هایی مستقل، مسلمانان از خطر آنها آگاه شوند و در آثارشان از آنها احتراز کنند.^۱ طبیعی است با اتخاذ چنین رویکردی، جایی هم برای مراجعه به عالمان یهود باقی نمی‌ماند. اما در این میان عالمانی نیز بوده‌اند که در کنار نقد عالمانه‌ی اسرائیلیات، ابایی از مراجعه به عالمان یهود برای کسب اطلاعات اصیل در شناخت یهودیت نداشته‌اند.

آلوسی (مفسر سنی قرن سیزدهم) از جمله این مفسران است که از برخی مراجعاتش به یهودیان خبر می‌دهد. وی پس از نقل آرای متکلمان مسلمان حول اعتقاد اهل کتاب درباره‌ی معاد جسمانی، از بعضی آگاهان نسبت به کتاب مقدس نقل می‌کند که انجیل مملو از آیاتی درباره‌ی معاد جسمانی است؛ درحالی‌که تورات تصریحی به این امر ندارد.^۲ از فقرات دیگری از تفسیرش درباره‌ی اسحاق و اسماعیل نیز برمی‌آید که او گفتگوهایی با یهودیان درباره‌ی چگونگی تفسیر تورات داشته است.^۳ پس از او محمدجواد بلاغی (عالم شیعی قرن چهاردهم) زبان عبری را نزد یهودیان عراق فراگرفت تا بتواند شخصا از منابع و آثار یهودی بهره‌گیری کند. طبیعی است او در رفت‌وآمد نزد این یهودیان، اطلاعات ادیبانی بسیاری نیز از آنان فرامی‌گرفته است.

۱. وسواس در نقل اسرائیلیات به این دلیل که منبع بسیاری از این مطالب نامشخص و اعتبار آنها مخدوش است، امری پسندیده است، اما به نظر می‌رسد در برخورد با این روایات که بخشی از تراث روایی مسلمانان است، بهتر از روش سلبی و حذفی، روش ایجابی و تحقیقی است. مثل کار ارزشمند محمد عبدالرحمان ربیع در کتاب «الاسرائیلیات فی تفسیر الطبری: دراسة فی اللغة و المصادر العبرية» که درصدد انطباق روایات موجود در «تفسیر طبری» با تورات و دیگر منابع عبری یهود بر آمده است.

۲. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۶۰

۳. همان، ص ۱۲۹.

در مجموع می‌توان گفت به دلیل بدبینی‌هایی که همواره عالمان مسلمان نسبت به یهودیان داشته‌اند، رجوع به عالمان یهود برای کسب اطلاعات اصیل دینی از آنان در میان مفسران مسلمان، امری مذموم یا لاقبل غیر ضروری به شمار می‌آمده است و به همین دلیل تفاسیر اسلامی در تهیه‌ی مطلب در این زمینه به منابع درون‌دینی، یا حداکثر اظهارات یهودیان تازه‌مسلمان، اکتفا می‌کرده‌اند.

ه - تحقیق‌های میدانی در جوامع یهودی

در تمام تاریخ اسلام، با صرف‌نظر از نیم قرن اخیر، مسلمانان بر جوامع یهودی تسلط و اشراف داشته‌اند. نکته‌ی درخور توجه اینکه در این جوامع، یهودیان مجبور نبودند در «گتو»^۱ و به دور از مسلمانان زندگی کنند؛ بلکه در دل شهرها و روستاهای مسلمان و در میان آنان زندگی می‌کردند و مسلمانان به‌آسانی می‌توانستند رفتار و گفتار آنان را ببینند و با آنان معاشرت داشته باشند و البته از آن در تفاسیر خود بهره ببرند. باین‌حال نشانه‌های بسیار کمی از بازتاب چنین برخوردهایی در تفاسیر اسلامی به چشم می‌خورد. یک نمونه‌ی آن گزارش ابن عطیه‌ی اندلسی از نوعی رفتار خاص یهودیان است که آن را از قول شخصی به نام قاضی ابومحمد به یهودیان اندلس نسبت می‌دهد و می‌گوید این رفتار از زمان پیامبر تا آن روزگار در میان یهودیان ثابت مانده است.^۲ ابو حیان اندلسی نیز بر این ادعا صحنه می‌گذارد و آن را به یهودیان دیار مصر نیز تعمیم می‌دهد.^۳ به‌جز اینها گزارش دیگری از مشاهدات مفسران مسلمان از زندگی شخصی و اجتماعی یهودیان به چشم نمی‌خورد. البته باز هم باید علامه بلاغی را از این مطلب مستثنا کرد؛ زیرا او بخشی از زندگی علمی خود را در میان یهودیان گذراند و همین باعث متمایز شدن تفسیر ارزشمند او «آلاء الرحمن» از دیگر تفاسیر است؛^۴ از این رو به حق باید او را پیشگام تفسیر تخصصی آیات ادیانی دانست.

و- اکتشافات باستان‌شناسی

از ابزارهایی که مفسر قرآن را بویژه در تفسیر آیات تاریخی و ادیانی بسیار یاری می‌کند،

۱. محدوده‌ای محصور در حاشیه شهرهای اروپایی که یهودیان قرون وسطی مجبور بودند در آنجا زندگی کنند.

۲. المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۲، ص ۶۲.

۳. البحر المحيط فی التفسیر، ج ۳، ص ۶۶۳.

۴. ر.ک: دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۷۲۱.

باستان‌شناسی است. هنگام بررسی تاریخ اسلام به گزارش‌هایی از برخی کاوش‌های باستان‌شناسی برای فهم دقیق‌تر آیات قرآن بر می‌خوریم. در قرن سوم، هیئتی از جانب الواثق بالله، خلیفه عباسی (۲۲۷ - ۲۳۲ ق)، برای کشف غار رقیم به فلسطین اعزام شد و گزارش جالبی از مشاهدات خود به جا گذاشت. هیئت دیگری نیز به سرپرستی سلام ترجمان، که به سی زبان مسلط بود، به سوی طرخان، حاکم خزر، گسیل شد تا در باره سد یاجوج و مأجوج تحقیق کند.^۱ اما مفسران مسلمان نه تنها خود دست به چنین کاوش‌هایی نزده‌اند، بلکه از حاصل تلاش‌های دیگران هم گزارشی در آثارشان و ذیل آیات مرتبط ارائه نکرده‌اند. البته در تفاسیر متأخر استناد به اکتشافات جدید باستان‌شناختی معمول است؛ مثلاً «تفسیر آسان» نتیجه برخی تحقیقات باستان‌شناسی در باره غار اصحاب کهف را بیان کرده است.^۲

ز- کتاب‌های ملل و نحل

نقل قول از کتاب‌های ملل و نحل که دانشمندان مسلمان نگاشته بودند، کما بیش میان مفسران معمول، و تنها منبع تخصصی ادیبانی بود که گاهی مفسران آن را به خدمت می‌گرفتند؛ برای نمونه کاشفی تلخیصی از گزارش شهرستانی در «الملل والنحل» در باره یهودیان و دیگر ادیان را به فارسی ترجمه کرده است.^۳ ابن‌عاشور در یک جا به نقد نظر شهرستانی درباره‌ی منشأ فرقه‌ی نسطوریه برخاسته است.^۴ مراغی نیز مطالبی را در باره بنی‌اسرائیل، شریعت یهود و تورات از شهرستانی نقل می‌کند.^۵ سید حیدر آملی مطالبی را از «ملل و نحل» شهرستانی^۶ از شارح انجیل نقل می‌کند و سپس بی‌آنکه اشاره دقیقی داشته باشد، می‌گوید همین مطالب در تورات و انجیل وجود دارد.^۷

۱. ر.ک: اندیشه حوزه، ش ۱، ص ۱۸۲ - ۱۸۴، «نگرشی نو به تاریخ ادیان».

۲. تفسیر آسان، ج ۱۰، ص ۲۶۶.

۳. جواهر التفسیر، ص ۸۰۳.

۴. التحریر و التنویر، ج ۴، ص ۳۳۵.

۵. تفسیر المراغی، ج ۶، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۶. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۷.

۷. تفسیر المحيط، ج ۴، ص ۳۱۶.

در این میان، اشاره به دو مفسر صاحب کتاب در زمینه‌ی ملل و نحل خالی از لطف نیست. نخستین آنان شاهپور اسفراینی است. او از نخستین کسانی است که تفسیری فارسی به نام «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم» تألیف کرد و کتابش را با موضوع ملل و نحل «التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجية عن الفرق الهالکین» نامید. گرچه کتاب ملل و نحلش بیشتر در باره فرقه‌های اسلامی است و فقط یک صفحه از آن به دین یهودیت اختصاص دارد،^۱ در تفسیر او نشانه‌هایی از دسترسی‌اش به اطلاعات توراتی دیده می‌شود؛^۲ البته نشانه‌هایی نیز از کم‌اطلاعی او از تاریخ یهودیت به چشم می‌خورد.^۳

تفسیر دیگری نیز به نام «مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار» منسوب به شهرستانی به چاپ رسیده که بر خلاف تفسیر پیشین، به گونه‌ای شگفت‌آور از اطلاعات ادیانی، بویژه یهودیت تهی است؛ از این رو به نظر می‌رسد باید در اصل این انتساب تردید کرد، چه مصحح این کتاب نیز در مقدمه مفصلش تصریح می‌کند میان آثاری که برای شهرستانی نام برده‌اند، نام این کتاب وجود ندارد.^۴

اما کتابی که در انتظار می‌رود مفسران بسیار بدان رجوع کرده باشند، «الفصل» ابن حزم اندلسی است که از درخشان‌ترین آثار اسلامی در باره معرفی و نقد یهودیت است؛ زیرا ابن حزم با عالمان یهودی ارتباط مستقیم داشت و با آنان مناظره و مباحثه می‌کرد و حتی زبان عبری را از آنان آموخت.^۵ ویژگی بارز ابن حزم دسترسی او به متون و منابع یهودی و مطالعه آنهاست.^۶ با همه‌ی این اوصاف، می‌بینیم که مفسران اسلامی، اگرچه از مباحث «الفصل» در خصوص مذاهب اسلامی بسیار بهره برده‌اند، اقبال چندانی به مطالب یهودی آن نشان نداده‌اند. تنها قاسمی در تفسیر برخی آیات مرتبط با یهودیت، «ملل و نحل» شهرستانی^۷ نیم‌نگاهی نیز به «الفصل» ابن حزم دارد.^۸

۱. التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجية عن الفرق الهالکین، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۲. ر.ک: تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، ج ۱، ص ۲۶۸ و ۲۶۹؛ مقایسه کنید با: اول سموئیل، فصل ۹ و ۱۰.

۳. تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، ج ۱، ص ۳۷۳.

۴. مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، ج ۱، ص ۳۴، مقدمه.

5. Muslim writers on Judaism and the Hebrew Bible, p94 - 109.

۶. پژوهش و حوزه، ش ۲۶، ص ۱۸۴، «ابن حزم اندلسی و مطالعه ادیان».

۷. محاسن التأویل، ج ۵، ص ۱۶۹.

۸. همان، ج ۸، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.

نقد و نظر

اکنون با توجه به آنچه که از رهیافت مفسران مسلمان در تفسیر آیات مرتبط با یهودیت با تکیه بر منابع استفاده شده آنان بیان شد، می‌توان راهکارهایی برای بهبود این روند شناسایی کرد.

الف - رجوع به تورات و پژوهش تخصصی در آن

واقعیت تلخ و گزنده‌ای که پس از مطالعه‌ی آثار تفسیری مسلمانان، گریزی از اذعان بدان نیست، این است که بیشتر از سیزده قرن، تورات جز در کتابخانه‌ی تعدادی انگشت‌شمار از مفسران حضور نداشته است. مفسران مسلمان به قدری با این کتاب بیگانه بوده‌اند، که شاید بتوان گفت اگر قرآن نام تورات و انجیل را ذکر نکرده بود، آنان حتی از نام این کتاب‌ها هم اطلاعی نداشتند؛ چنان که این اتفاق درباره‌ی تلمود افتاده است؛ این در حالی است که قرآن بارها و بارها، خود را تصدیق‌کننده‌ی این دو کتاب خوانده^۱ و آنها را نور و هدایت معرفی کرده است.^۲ هر مسلمانی با قرائت صفحه دوم قرآن در می‌یابد که باید همان‌گونه که قرآن را می‌شناسد و بدان ایمان دارد، با کتاب‌های نازل شده بر امت‌های پیشین هم آشنا باشد.^۳ بسیاری از مطالب قرآن، چه در اعتقادات و چه احکام و قصص، با تورات هماهنگ یا شبیه آن است و این نشان‌دهنده آن است که حتی اگر به تحریف لفظی این کتاب معتقد باشیم،^۴ باز هم مطالب حقی در آن وجود دارد که یک مسلمان باید از آنها آگاه باشد.

روایاتی از پیامبر وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی جواز تلاوت تورات است.^۵ یهودیانی که مسلمان می‌شدند از تلاوت روزانه‌ی تورات دست بر نمی‌داشتند و گرچه اجازه نیافتند آن را در نماز

۱. بقره، آیه ۹۱ و ۹۷، آل عمران، آیه ۳، نساء، آیه ۴۷، مائده، آیه ۴۸ و ...

۲. مائده، آیه ۴۴.

۳. بقره، آیه ۴.

۴. امروزه بسیاری از محققان مسلمان معتقدند اگر قرآن از تحریف در این کتاب‌ها سخن می‌گوید، همه ناظر به تحریف معنوی است (برای اطلاع بیشتر ر.ک: *آشنایی با ادیان بزرگ*، حسین توفیقی، ص ۱۳۷ - ۱۴۰؛ *معرفت*، ش ۱۴۳، ص ۱۳۷، «تحریف تورات و انجیل از دیدگاه قرآن»، محمد حسین فاریاب). فاریاب در این مقاله در باره میزان استناد شش آیه از قرآن به تحریف لفظی و دیدگاه‌های مسلمان در این باره بحث می‌کند و نهایتاً نتیجه می‌گیرد که فقط از آیه ۱۴ سوره مائده و با کمک روایات اسباب نزول می‌توان نتیجه گرفت که قرآن تحریف لفظی را تأیید می‌کند. در حالی که مضمونی که این آیه و روایات اسباب نزول مطرح می‌کنند در تورات امروزی وجود دارد (ر.ک: *تثنیه ۲۲ / ۲۲*) و همین نشانه عدم دلالت قرآن بر تحریف لفظی تورات است.

۵. *مسند ابن حنبل/ احمد*، ج ۲، ص ۲۲۲.

بخوانند،^۱ ایمان داشتندشان به کتاب‌های پیشین تجویز شد.^۲ همچنین مسلمانانی بودند که هر هفته تورات را ختم می‌کردند و سپس جشن می‌گرفتند.^۳ حتی متعصب‌ترین مسلمانانی که با خواندن تورات به کلی مخالف بودند، تصریح می‌کردند مطالعه آن برای پاسخ‌گویی به یهودیان اشکالی ندارد؛^۴ اما ظاهراً حتی همین نیز اتفاق نیفتاده است.

عجیب این جاست که مسلمانان چنان از تورات بیگانه بودند که حتی عالمانشان تصویری کاملاً غیر واقعی از آن در ذهن داشتند. تورات در اندیشه مسلمانان به کتابی اسطوره‌ای تبدیل شده بود که می‌پنداشتند فقط عده‌ای اندک از اسرار و رموز آن آگاه‌اند و می‌توانند با مطالعه آن به هر پرسشی پاسخ دهند و حتی آینده را پیشگویی کنند.^۵ در عین حال هیچ‌گاه تصور درستی از نسبت میان تورات واقعی، توراتی که قرآن از آن سخن می‌گوید و توراتی که در دست بوده است، نداشته‌اند. گردآوری دیدگاه‌ها و سخنان شگفت‌آور دانشمندان مسلمان در باره تورات، کتابی اعجاب‌برانگیز می‌شود. نمونه کوچک آن روایت مناظره امام رضا با اصحاب ادیان در حضور مأمون است. جاعل این روایت، به قدری با مفاهیم بین‌الادیانی بیگانه بود که نمی‌دانست یک یهودی، همان‌گونه که اسناد سخن به قرآن را نمی‌پذیرد، انجیل را نیز قبول ندارد؛ چه‌رسد به اینکه خودش پیشنهاد کند احتجاج تنها مبتنی بر تورات و انجیل باشد.^۶

اینکه چرا تورات در تاریخ تفسیر این قدر مهجور مانده، پرسشی اساسی است که باید در پژوهشی مستقل بدان پرداخته شود؛ اما این مسئله باعث شد مسلمانان هر سخن جالب یا شگفت‌آوری را که به تورات منتسب می‌شد، چشم‌پسته بپذیرند و هیچ‌گاه در پی تحقیق صحت یا سقم آن بر نیایند. سیوطی در تفسیر مآثور خود حجم فراوانی از روایاتی را نقل می‌کند که در همه آنها راویان، مطالبی را ذکر و آن را به تورات مستند می‌کنند. حتی سیوطی که از پرمطالعه‌ترین و کتاب‌شناس‌ترین عالمان مسلمان، و البته از دقیق‌النظران ایشان، است، برای ارزیابی صحت یکی

۱. اسباب نزول القرآن، ص ۶۸

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. علوم حدیث، ش ۲۳، ص ۸۳ و ۸۴، «مطالعه‌ای در مورد حدیثی کهن؛ حدیثا عن بنی اسرائیل و لاجرح».

۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۸۶.

۵. ر.ک: علوم حدیث، ش ۲۳، ص ۷۰ - ۷۳.

۶. ر.ک: الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۰.

از این روایات به تورات مراجعه نکرده است.

سرانجام آن دوران سپری شد و امروزه دیگر رجوع به تورات برای تفسیر بسیاری از آیات، امری رایج میان مفسران مسلمان است تا تفسیر قرآن یک گام به تطابق با واقع نزدیکتر شود.

ب - پژوهش در سنت شفاهی حاخامی یهود

تلمود، که شامل میشنا و گماراست، مهم‌ترین منبع فهم تورات نزد یهودیان است و در سنت یهودی، کسی بدون احاطه بر آن، نمی‌تواند فهم صحیحی از تورات داشته باشد؛ زیرا بنا بر سنت حاخامی، این نیز توراتی است که خداوند به طور شفاهی به موسی اعطا کرده و سینه‌به‌سینه در میان عالمان یهود منتقل شده تا اینکه سرانجام قرن‌ها بعد به نگارش درآمده است.^۱ جالب است که قرآن نیز هنگامی که از تورات سخن می‌گوید یا مطلبی را به آن مستند می‌سازد، چنین نگاهی دارد و در واقع تمایزی میان تورات مکتوب و شفاهی قائل نیست؛ بلکه هر دو را کتاب خدا می‌داند.^۲ به این ترتیب بسیاری از مطالب تلمود، که البته در تورات مکتوب نیامده است، در لابه‌لای آیات قرآن به چشم می‌خورد و گاهی قرآن تصریح می‌کند که این از مطالبی است که خداوند پیشتر بر امت یهود نازل کرده بوده است. همه‌ی اینها حاکی از آن است که قرآن عملاً بر اصل صحت تلمود صحه گذاشته است؛ در نتیجه رویگردانی کلی مفسران از این کتاب پسندیده نیست. به همین دلیل است که اگر نگوئیم در تفسیر قرآن آگاهی از تلمود اهمیتی بیشتر از تورات دارد، قطعاً باید به یکسانی این اهمیت اذعان کنیم.

اما به دلایلی که بررسی آن مجال مستقل می‌طلبد، مسلمانان تا چهارده قرن در ناآگاهی کامل از تلمود به سر بردند؛ تاجایی که در تمام تفاسیر اسلامی در این چهارده قرن، حتی یک بار، به نام تلمود هم برخورد نمی‌کنیم. اخیراً هم که نام تلمود بر سر زبان‌ها افتاده، هیچ مفسر مسلمانی شخصاً آن را مطالعه نکرده است و تنها بخش‌هایی از آن را که با مقاصد خاصی معروف و منتشر شده، در تفاسیر خود نقل می‌کنند و همین باعث ایجاد نگاهی بسیار بدبینانه و حتی سخت‌دشمنانه به تلمود شده است. این در حالی است که قرآن پژوهان غربی مدت‌هاست مطالعات خویش را در زمینه‌ی مشابهت‌های موجود میان مطالب قرآن و تلمود آغاز کرده و آثار بسیاری در این زمینه پدید آورده‌اند که از آن جمله می‌توان به آثار مؤلفانی چون آبراهام کاتچ، آبراهام گایگر و چارلز کاتلر توری اشاره کرد.

1. The Talmud. A reference Guide. p1-9.

۲. مانده، آیه ۳۲. مقایسه کنید با: سنه‌ترین، ۳۷ الف.

با این اوصاف ضروری می‌نماید که نسلی از مفسران ظهور کنند که با تلمود و تاریخچه‌ی آن به‌خوبی آشنا باشند و با نگاهی علمی بتوانند آن را در خدمت تفسیر قرآن به کار گیرند.

ج - پژوهش در آثار علمی یهودیان

عالمان یهودی ساکن در سرزمین‌های اسلامی، از همان قرون نخستین با آثار علمی مسلمانان آشنا بوده‌اند و البته تأثیر بسیاری هم از این آثار پذیرفته‌اند. به‌گونه‌ای که محققان، کلام یهودی را متأثر از کلام اسلامی می‌دانند.^۱ با وجود این، مفسران مسلمان همواره، و تا امروز، با آثاری که عالمان یهودی مخصوصاً پس از اسلام نگاشته‌اند، به‌کلی بیگانه بوده و هستند. آشکار است که این امر چقدر می‌تواند در ایجاد نگاه‌های غیرواقعی نسبت به عقاید یهودی مؤثر باشد. اصل اول یک پژوهش و جدل علمی در باب ادیان، آشنایی با عقاید اصیل و معتبر دین مقابل، بر اساس آثار عالمان آن دین است و نمی‌توان بدون استناد به آنها و تنها با تکیه بر منابع درون‌دینی یا شنیده‌های غیرمستند، درباره‌ی دیگران قضاوت و آنها را محکوم کرد. امروزه با نشر حجم انبوهی از آثار عالمان یهودی به زبان عربی و انگلیسی، زمینه‌ای کاملاً مساعد برای بررسی این کتب فراهم آمده است و به نظر می‌رسد دیگر از مفسران مسلمان پذیرفته نیست که بدون مطالعه‌ی این آثار، اظهارنظری درباره‌ی یهودیت داشته باشند.

د - آشنایی با زبان و فرهنگ یهود

یکی از بزرگ‌ترین اشکالاتی که به سنت تفسیر اسلامی وارد است، و اخیراً برخی گام‌هایی در راه رفع آن برداشته‌اند، ناآشنایی کامل مفسران مسلمان با زبان اصلی ادیان دیگر است. بسیاری از واژگان قرآن، عبری، آرامی، سریانی، فارسی و... است و این امری است که نه‌تنها مستشرقان در آثاری مستقل بدان پرداخته‌اند،^۲ بلکه از دیر باز مفسران و عالمان مسلمان نیز بدان اذعان داشته‌اند.^۳ بدیهی است ارائه‌ی تفسیری صحیح از این واژگان و آیات دربرگیرنده‌ی آنها، در گرو احاطه بر این زبان‌هاست. به

۱. فلسفه یهودی در قرون وسطا، ص ۱۳.

۲. واژه‌های دخیل در قرآن مجید.

۳. الاتقان فی علوم القرآن، ص ۳۹۳ - ۴۰۷.

همین ترتیب ارائه‌ی تفسیری صحیح از آیاتی که به‌نحوی ارجاعی به تورات دارند، مستلزم توانایی قرائت تورات به زبان اصلی آن و احاطه بر زبان عبری است. با این حال مجموع مفسران مسلمانی که با زبان عبری آشنایی داشته‌اند، از عدد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند؛ باینکه زبان عبری از هم‌خانواده‌های عربی و در شباهت با آن، مثل شباهت دو لفظ «عربی» و «عبری» است.

تاریخ، نخستین مفسر مسلمانی را که زبان عبری آموخته، زیدبن ثابت معرفی می‌کند که از اصحاب پیامبر اسلام بود.^۱ جالب است که میان او و مفسر بعدی آشنا به زبان عبری، بیش از ۱۲۰۰ سال فاصله است! تا آنجا که نگارنده‌ی این سطور فراچنگ آورده است، فهرست مفسران عبری‌دان مسلمان به قرار زیر است:

۱. میرزا ابوالحسن شعرانی،^۲

۲. محمد جواد بلاغی،^۳

۳. حسن مصطفوی،^۴

۴. محمد صادقی تهرانی،^۵

عالمان فوق، همگی معاصر و یا نزدیک به قرن حاضر هستند و به‌زحمت می‌توان از آشنایی مفسران پیش از آنها به زبان عبری، نشانه‌ای یافت.^۶

ه - تکاپو برای استفاده از بیشترین امکانات در تفسیر آیات ادیانی

تفسیر متون کهن و به‌ویژه مقدس، یکی از دشوارترین فنونی است که موفقیت در آن، علاوه بر علوم معمول، مستلزم تسلط به علوم آلی دیگری چون زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ جهان، جغرافیا، نشانه‌شناسی و سرانجام داشتن اطلاعات عمومی بسیار گسترده از سایر علوم روز و دانش‌های کهن است. هم‌اکنون روست که به‌عنوان یکی از قواعد تفسیری گفته‌اند: «کل من

۱. الطبقات الكبرى، ص ۳۴۶

۲. نور علم، ش ۵۰ و ۵۱، ص ۹۵، «نجوم امت (۴۶): آیه الله علامه میرزا ابوالحسن شعرانی». لازم به ذکر است که مرحوم

شعرانی، کتابی در تفسیر قرآن ندارد؛ اما ترجمه او از قرآن، نوعی ترجمه تفسیری به‌شمار می‌رود.

۳. نور علم، ش ۴۱، ص ۶۳، «نجوم امت (۴۸): آیه الله العظمی علامه حاج شیخ محمد جواد بلاغی».

۴. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۱۰.

۵. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲، ص ۲۹.

۶. البته در میان عالمان مسلمان، عبری‌دانان دیگری هم بوده‌اند که چون اثر تفسیری نداشته‌اند، نام آنها در فهرست بالا نیامده است. نراقیین از این جمله‌اند.

كان حظه في العلوم اوفر، كان نصيبه من علم القرآن اكثر»^۱. البته در میان عالمان مسلمان، بوده‌اند کسانی که دستی در علوم فوق داشته‌اند؛ اما هیچ‌گاه نه آنان دست به تفسیر آیات زدند، و نه مفسران از علوم آنان برای تفسیر قرآن بهره بردند. این کاستی هنوز پس از چهارده قرن، دامنگیر تفاسیر اسلامی هست و محو این نقطه ضعف نیازمند اهتمام جدی نسل جدیدی از مفسران کارگشته و آموزش‌دیده است. در گام نخست بجاست به سراغ آثار ارزشمند مستشرقان بی‌غرضی برویم که پیش از ما قدم در این راه نهاده‌اند و راه‌های بسیار جدیدی پیش روی ما گشوده‌اند. شاید باور این مسئله هنوز برای برخی دشوار باشد؛ اما به‌راستی «چگونه می‌توان بدون بهره‌گیری از تجربیات کارستن نابور (Carsten Niebbur) که در سال ۱۷۷۲م شیوه خواندن خطوط زبان باستان عربی را دریافت و همچنین جوزف هالوی (Joseph Halevy) که در لباس یک خاخام یهودی بعنوان اولین اروپایی وارد یمن شد (۱۸۶۹ و ۱۸۷۰م) و ۶۸۵ نسخه کتیبه را از ۳۷ محل به دست آورد، و نیز بدون استناد به هزار کتیبه‌ای که ادوارد گلاسه (Edvard Glase) بین سالهای ۱۸۸۲-۱۸۹۴م در جنوب شبه جزیره عربستان کشف کرد، تاریخ قوم سبا و معین کهن رایج در شبه جزیره را شناخت؟»^۲

نتیجه‌گیری

سنت تفسیری ما در تفسیر آیات ادیانی (به طور خاص آیات مرتبط با یهودیت)، گام‌های چندان بلندی برنداشته است. در میان آراء تفسیری بیان‌شده در این حوزه، گاه مطالبی نامستند یا غیرواقعی به چشم می‌خورد که برخی از آنها هنوز هم نقل محافل تفسیری است. برای جبران این نقیصه نیاز به مفسرانی داریم که تخصص بالایی در علم ادیان داشته باشند. این متخصصان به‌ویژه باید از چند آسیب جدی، که همواره تفاسیر ما را تحدید و تهدید کرده است، بر حذر باشند. آن آسیب‌ها به اجمال عبارتند از: ناآشنایی با منابع اصلی یهود مانند تورات و تلمود و دیگر آثار نویسندگان یهودی، ناآشنایی با زبان و فرهنگ یهود و ابزارها و دانش‌های نو. برای گام نهادن در مسیر تفسیر تخصصی این آیات، گام نخست آشنایی با منابع اصیل یهودی با تسلط بر زبان و فرهنگ این دین است. همچنین ضروری است در تفسیر از همه‌ی

۱. البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۵.

۲. اندیشه حوزه، ش ۱، ص ۱۸۷-۱۸۸، «نگرشی نو به تاریخ ادیان».

امکانات و ابزارهای در دسترس بهره بگیریم و با جهان علمی پیرامون به گفتگو و دادوستد بپردازیم تا بتوانیم تفسیری هرچه نزدیکتر به واقع، از آیات مرتبط با ادیان ارائه کنیم.

کتابنامه

۱. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، تحقیق: سعید المندوب، لبنان: دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
۲. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳. اسباب نزول القرآن، علی بن احمد واحدی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
۴. الاسرائیلیات فی تفسیر الطبری: دراسة فی اللغة و المصادر العبریة، أمال محمد عبدالرحمن ربیع، قاهره: المجلس الأعلى للشئون الإسلامیة، ۲۰۰۱ م.
۵. اطیب البیان، سید عبد الحسین طیب، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۶. اندیشه حوزه، ش ۱ (۱۳۷۴)، ص ۱۶۱ - ۱۹۴، «نگرشی نو به تاریخ ادیان»، غلام رضا جلالی.
۷. آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، تهران: سمت، ۱۳۷۹ ش.
۸. الاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی نجفی، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۹. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. البحر المحيط فی التفسیر، ابو حیان محمد بن یوسف اندلسی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۱۱. البرهان فی علوم القرآن، بدر الدین محمد بن عبد الله الزرکشی، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار إحياء کتب العربیة، ۱۳۷۶ ق.
۱۲. بیان المعانی، عبد القادر ملاحویش آل غازی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوبی، نرم افزار جامع تفاسیر نور، نسخه ۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، [بی تا].
۱۴. پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. پژوهش و حوزه، ش ۲۶ (۱۳۸۵)، ص ۱۸۳ - ۲۱۵، «ابن حزم اندلسی و مطالعه ادیان»، وحید صفری.

۱۶. تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، طاهر بن محمد شهفور اسفرائینی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. تاریخ در آینه پژوهش، ش ۳ (۱۳۸۳)، ص ۷۸ - ۹۳، «مسلمانان صدر اسلام و اندیشه‌های اسرائیلی (پذیرش و انکار)»، علی غلامی دهقی.
۱۸. تأویل مشکل القرآن، عبد الله بن مسلم ابن قتیبه، نرم‌افزار جامع تفاسیر نور، نسخه ۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، [بی‌تا].
۱۹. التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجية عن الفرق الهالكین، طاهر بن محمد شهفور اسفرائینی، تحقیق: کمال یوسف الحوت، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۲۱. التحریر و التنویر، محمد بن طاهر ابن عاشور، نرم‌افزار جامع تفاسیر نور، نسخه ۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، [بی‌تا].
۲۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۲۳. ترجمه و تفسیر رهنما، زین العابدین رهنما، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۴۶ ش.
۲۴. تفسیر اثناعشری، حسین حسینی شاه عبد العظیمی، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
۲۵. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. التفسیر الحدیث، محمد عزت دروزه، قاهره: دار إحياء الکتب العربیة، ۱۳۸۳ ش.
۲۷. تفسیر القرآن العظیم، ابن ابی حاتم الرازی، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
۲۸. تفسیر القرآن الکریم، ابو حمزه ثابت بن دینار ثمالی، بیروت: دار المفید، ۱۴۲۰ ق.
۲۹. التفسیر القرآنی للقرآن، عبد الکریم خطیب، نرم‌افزار جامع تفاسیر نور، نسخه ۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، [بی‌تا].
۳۰. تفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴ ق.
۳۱. التفسیر المبین، محمد جواد مغنیه، قم: بنیاد بعثت، [بی‌تا].
۳۲. تفسیر المحيط الأعظم و البحر الضخم، سید صدر الآملی، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۲۲ ق.
۳۳. تفسیر المراغی، احمد بن مصطفی مراغی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی‌تا].
۳۴. التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، سید محمود طنطاوی، نرم‌افزار جامع تفاسیر نور ۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، [بی‌تا].
۳۵. تفسیر آسان، محمد جواد نجفی خمینی، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.

۳۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۳۷. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، تهران: انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ ش.
۳۸. تفسیر من وحی القرآن، سید محمد حسین فضل الله، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
۳۹. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
۴۰. تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
۴۱. التفسیر والمفسرون، محمد حسین الذهبی، بیروت: شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم، [بی‌تا].
۴۲. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۴۲۸ ق.
۴۳. جامع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بن جریر الطبری، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۴۴. جشن نامه استاد محمد علی مهدوی‌راد، به کوشش: رسول جعفریان، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ، ۱۳۹۱ ش، «المصایح فی تفسیر القرآن؛ گنجی کهن در تاریخ تفسیر شیعه»، مرتضی کریمی‌نیا.
۴۵. جواهر التفسیر، حسین کاشفی سبزواری، تحقیق: جواد عباسی، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، [بی‌تا].
۴۶. حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، سید عبد الحجت بلاغی، قم: انتشارات حکمت، ۱۳۸۶ ق.
۴۷. دانش‌نامه جهان اسلام، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۳، «تلمود»، لیلا هوشنگی.
۴۸. دانش‌نامه جهان اسلام، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۳، «تورات»، اسماعیل باغستانی.
۴۹. الدر المنتور فی تفسیر المأثور، جلال الدین السیوطی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۵۰. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۱۵ ق.
۵۱. سعد السعود للنفوس منضود، سید بن طاووس، قم: محمد کاظم الکتبی، [بی‌تا].
۵۲. سنن ابی داود، ابن اشعث السجستانی، تحقیق و تعلیق: سید محمد اللحام، [بی‌جا]: دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
۵۳. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.

۵۴. سیری در تلمود، آدین اشتاین سالتز، ترجمه: باقر طالبی دارابی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ ش.
۵۵. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، [بی‌جا]: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۵۶. الصحیح من سیرة النبی الاعظم، جعفر مرتضی‌العالمی، بیروت: دار الهمدانی - دار السیره، ۱۴۱۵ ق.
۵۷. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، نرم‌افزار مکتبه اهل‌البيت، قم: مرکز معجم فقهی و مرکز پژوهش‌های اسلامی المصطفی، ۱۳۸۴ ش.
۵۸. علوم حدیث، ش ۲۳ (۱۳۸۱)، ص ۵۷ - ۹۴، «مطالعه‌ای در مورد حدیثی کهن؛ حدثوا عن بنی اسرائیل و لاجرح»، م. ج کیستر، ترجمه: محمدکاظم رحمتی.
۵۹. فتح القدیر، محمد بن علی الشوکانی، دمشق: دار ابن کثیر، بیروت: دار الکتب الطیب، ۱۴۱۴ ق.
۶۰. فجر الاسلام، احمد امین، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۹۶۹ م.
۶۱. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، محمد صادقی تهرانی، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۶۲. فلسفه یهودی در قرون وسطا، دن کوهن شرباک، ترجمه: علی رضا نقد علی، قم: مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳ ش.
۶۳. فی ظلال القرآن، سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، چاپ هفدهم، قاهره: دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
۶۴. کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، محمد بن احمد ابن جزی غرناطی، بیروت: دار الأرقم، ۱۴۱۶ ق.
۶۵. الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۶۶. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علامه بلاغی، [بی‌جا]: کنگره بین‌المللی علامه بلاغی، ۱۳۸۶، «بازتاب ادیان پژوهی علامه بلاغی در تفسیر آلاء الرحمن»، سید محمد علی ایازی.
۶۷. محاسن التأویل، محمد جمال الدین قاسمی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ش.
۶۸. المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز، عبد الحق ابن عطیة اندلسی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۶۹. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، بیروت: دار ابن حزم - اردن: الدار العثمانیة، ۱۴۲۸ ق.
۷۰. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر، [بی‌تا].
۷۱. المصنف، عبد الرزاق الصنعانی، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، نرم‌افزار مکتبه اهل‌البيت، قم: مرکز معجم فقهی و مرکز پژوهش‌های اسلامی المصطفی، ۱۳۸۴ ش.

۷۲. معرفت، ش ۱۴۳ (۱۳۸۸)، ص ۱۳۷، «تحریف تورات و انجیل از دیدگاه قرآن»، محمد حسین فاریاب.
۷۳. مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، محمد بن عبد الکریم شهرستانی، تحقیق: محمد علی آذر شب، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، ۱۳۸۶ ش.
۷۴. مفاتیح الغیب، ابو عبد الله محمد بن عمر فخرالدین الرازی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۷۵. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جواد علی، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۶ م.
۷۶. مقدمة ابن خلدون، ابن خلدون، بیروت: دار القلم، ۱۹۷۸ م.
۷۷. الملل و النحل، محمد بن عبد الکریم شهرستانی، تحقیق: محمد سید گیلانی، بیروت: دار المعرفه، [بی تا].
۷۸. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبد الاعلی موسوی سبزواری، بیروت: مؤسسه اهل البيت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۷۹. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۸۰. نور علم، ش ۴۱ (۱۳۷۰)، ص ۴۴ - ۷۰، «نجوم امت (۴۸): آیه الله العظمی علامه حاج شیخ محمد جواد بلاغی»، ناصر الدین انصاری قمی.
۸۱. نور علم، ش ۵۰ و ۵۱ (۱۳۷۲)، ص ۷۴ - ۱۰۶، «نجوم امت (۴۶): حضرت آیه الله علامه میرزا ابوالحسن شعرانی»، سید ابوالحسن مطلبی.
۸۲. واژه‌های دخیل در قرآن مجید، آرتور جفری، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: توس، ۱۳۷۲ ش.

83. **Brill's First Encyclopedia of Islam.** "ka'b al-Ahbar", M. Schmitz.

84. **Judaism and Islam.** Abraham Geiger. New York: Ktav Publishing House Inc. 1970.

85. **Judaism in Islam: Biblical and Talmudic backgrounds of the Koran and its commentaries suras II and III.** I. Abraham Katsh. New York: 1954.

86. **Muslim writers on Judaism and the Hebrew Bible: from Ibn Rabban to Ibn Hazm,** Camilla Adang, Brill: 1996.

87. **The Jewish Fondation of Islam.** Charles Cutler Torry, New York: 1967.
88. **The Other Talmud. the Yerushalmi: Unlocking the Secrets of The Talmud of Israel for Judaism Today,** Judith Z. Abrams, 2012. U.S.A.: Jewish Lights Publishing.
89. **The Original Sources of the Qur'an.** Rev. W. St. Clair Tisdall. London: Society for the Promotion of Christian Knowledge. 1905.
90. **The Talmud. A reference Guide.** Adin Steinsaltz, New York: Random Hause. 1989.